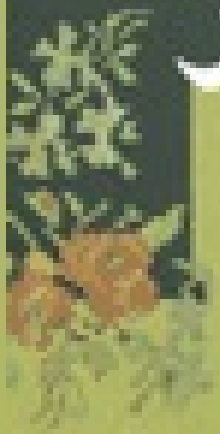


آیات غدير

آیات غدير

علی اصغر رضوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات غدیر

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	آیات غدیر
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۸	مقدمه ناشر
۱۸	پیشگفتار
۲۱	آیه تبلیغ
۲۱	اشاره
۲۲	اشاره
۲۲	تحلیلی درباره آیه
۲۲	توضیح
۲۲	۱ - ظهور فعل در ماضی
۲۳	۲ - بیان اهمیت شرط
۲۴	۳ - نوع خوف پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۴	۴ - مقصود از «الناس»
۲۴	۵ - معنای عصمت
۲۵	بررسی روایات
۲۵	اشاره
۲۵	۱ - روایت ابی نعیم اصفهانی
۲۵	روایت ابی نعیم اصفهانی
۲۵	بررسی سند
۲۶	۲ - روایت ابن عساکر
۲۶	روایت ابن عساکر
۲۷	بررسی سند

۲۸	۳ - روایت واحدی
۲۸	روایت واحدی
۲۸	بررسی سند
۲۹	۴ - روایت خبری
۲۹	شأن نزول آیه از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
۳۰	راویان حدیث از صحابه
۳۱	راویان حدیث از تابعین
۳۲	راویان حدیث از علمای عامه
۳۴	دیدگاه شیعه درباره آیه تبلیغ
۳۸	بررسی شبهات
۳۸	اشاره
۳۸	۱ - نزول آیه در مورد محافظت پیامبر صلی الله علیه وآله در مدینه
۳۸	پاسخ
۳۹	۲ - نزول آیه در مورد حراست در مکه
۳۹	پاسخ
۴۰	۳ - نزول آیه در جنگ با بنی انمار!!
۴۰	پاسخ
۴۱	۴ - نزول آیه درباره رجم و قصاص
۴۱	پاسخ
۴۱	۵ - نزول آیه درباره مکر یهود!!
۴۲	پاسخ
۴۵	آیه اکمال
۴۵	اشاره
۴۶	اشاره
۴۶	بررسی احادیث
۴۶	توضیح

- ۴۶ ۱ - روایت ابی نعیم اصفهانی
- ۴۶ روایت ابی نعیم اصفهانی
- ۴۷ بررسی سند
- ۴۸ ۲ - روایت خطیب بغدادی
- ۴۸ روایت خطیب بغدادی
- ۴۹ بررسی سند
- ۵۰ ۳ - روایت ابن عساکر
- ۵۰ روایت ابن عساکر
- ۵۱ بررسی سند
- ۵۱ ۴ - طریق دیگر از ابن عساکر
- ۵۱ طریق دیگر از ابن عساکر
- ۵۲ بررسی سند
- ۵۲ راویان نزول آیه در روز غدیر خم
- ۵۳ آراء در شأن نزول آیه
- ۵۳ توضیح
- ۵۳ ۱ - اشاره به دوران عظمت اسلام
- ۵۵ پاسخ
- ۵۵ ۲ - نزول آیه در روز عرفه
- ۵۶ پاسخ
- ۵۷ ۳ - نزول آیه در روز غدیر خم
- ۵۹ استعمالات واژه «الیوم»
- ۶۰ طمع کافران
- ۶۲ مقصود از اکمال دین
- ۶۲ اشاره
- ۶۳ پاسخ
- ۶۳ پاسخ

۶۴	ویژگی های روز غدیر در آیه
۶۵	کیفیت نزول آیه
۶۵	کیفیت نزول آیه
۶۸	پاسخ
۷۰	آیه سأل سائل
۷۰	اشاره
۷۱	اشاره
۷۱	اعتراف به نزول آیه در مورد قصه غدیر
۷۱	توضیح
۷۱	۱ - ابو اسحاق ثعلبی
۷۱	ابو اسحاق ثعلبی
۷۳	ترجمه ابی اسحاق ثعلبی
۷۳	ترجمه سفیان بن عیینه
۷۴	۲ - ابو عبید هروی (م ۲۲۳)
۷۵	۳ - شیخ الاسلام حَمَوِی
۷۶	۴ - حاکم حسکانی
۷۸	راویان حدیث از اهل بیت علیهم السلام و اصحاب
۷۸	راویان حدیث از عامه
۸۱	دلالت حدیث
۸۱	پاسخ به شبهات
۸۱	توضیح
۸۲	۱ - سوره معارج مکی است!!
۸۲	پاسخ
۸۳	۲ - خداوند با وجود پیامبر کسی را عذاب نخواهد کرد!!
۸۳	پاسخ
۸۴	۳ - اگر چنین بود باید معجزه می شد!!

۸۵ پاسخ

۸۵ ۴ - مسلمان عذاب دنیوی نمی شود!! -

۸۵ پاسخ

۸۶ درباره مرکز

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور: آیات غدیر / تالیف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۷۱ ص.

فروست: سلسله مباحث یادمان غدیر.

شابک: ۷۰۰۰ ریال؛ ۷۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۹۱۷۵-۹:

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: غدیر خم

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۹۲۶/BP۲۲۳/۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۳۲۴۵۲

ص: ۱

اشاره

غدیر محور همبستگی اسلامی و زیربنای تفکر شیعی است. غدیر تبیین کننده جریان اصیل وصایت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله می باشد که اسلام راستین را تداوم بخشید و زلال معرفت، ولایت، تسلیم و رضا را در جان مؤمنین جاری و حیات ثمربخش را به آنان هدیه نمود.

غدیر در طول تاریخ مورد بی مهری هایی از طرف دوستان و مورد تهاجم از طرف دشمنان دین قرار گرفت ولی با عنایت و تدبیر پیروان واقعی غدیر حفظ و فرهنگ شد. هم اکنون که در نظام مقدّس جمهوری اسلامی همت مسؤولان و مردم متدین ایران اسلامی بر غدیری شدن تمامی این سرزمین اسلامی است، بر آن شدیم مجموعه پیش روی که توسط استاد ارجمند حاج علی اصغر رضوانی تألیف گردیده را به زیور طبع بیاراییم.

امید است مورد قبول حضرت حقّ و توجّه مولایمان حضرت حجّت «عجل الله تعالی فرجه الشریف» قرار گیرد.

لازم است از عنایات ویژه تولیت محترم حضرت آیت الله وافی و دیگر عزیزان همکار در مجموعه انتشارات برادران دیلمی، امیر سعید سعیدی، آشتی، بخشایش، تلاشان و ... در به ثمر رسیدن این مجموعه فعالیت نموده اند، کمال تشکر و امتنان را داریم و ان شاء الله خوانندگان گرامی ما را از نظرات ارشادی خود محروم نفرمایند.

مدیر مسوؤل انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

پیشگفتار

قرآن کریم از منبع اصلی و اساسی عموم مسلمانان در استنباط احکام و وظایف دینی و اصول اعتقادی است که مورد توجّه تمام افراد مسلمین از فرقه های مختلف اسلامی می باشد؛ کتابی که از هرگونه اشتباه در امان بوده و بیان برای مردم و تبیان هر چیزی است.

از طرفی موضوع امامت و خلافت اسلامی و جانشینی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خصوصیات و صفات خلیفه از جمله موضوعاتی است در طول تاریخ اسلامی مورد اختلاف و نزاع بین مسلمانان بوده و به همین جهت منشأ پیدایش مذاهب مختلف اسلامی شده است. اختلافی که گاه به حدّی شدّت گرفته که منشأ درگیری و کشمکش های شدید و بعضاً منجر به خونریزی شده است.

از آنجا که قرآن کریم کتاب بین المللی اسلامی است و مورد اتفاق و قبول عموم مسلمانان است لذا جا دارد به بحث و بررسی این موضوع مهم از قرآن پردازیم تا هرچه بیشتر وحدت و همبستگی اسلامی نزدیک تر شده و از تفرقه و نزاع پرهیزیم و این تنها با بحث علمی به دور از تعصب و عناد صورت می پذیرد.

علی اصغر رضوانی

آیه تبلیغ

اشاره

ص: ۱۱

یکی از آیاتی که می توان در باب امامت خاصه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به آن استشهاد کرد آیه معروف به «تبلیغ» است. خداوند متعال می فرماید: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ (۱) «ای رسول! آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن و اگر چنین نکنی رسالت پروردگارت را نرسانده ای و خدا تو را از مردم حفظ خواهد کرد. خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند.»

مفسران و متکلمان شیعه، این آیه را درباره ابلاغ ولایت و امامت و خلافت امام علی علیه السلام می دانند و در این قول متفقند. اینک برای بررسی این مطلب آیه را مورد بحث و تحلیل قرار می دهیم.

تحلیلی درباره آیه

توضیح

قبل از ورود در بحث، مناسب است به نکاتی چند درباره آیه «تبلیغ» اشاره شود:

۱ - ظهور فعل در ماضی

ظهور جمله « ما أُنزِلَ إِلَيْكَ » در ماضی و گذشته حقیقی است نه مضارع و آینده به دو دلیل:

الف) صیغه ماضی برای معنای گذشته وضع شده و در صورتی

ص: ۱۲

که قرینه ای در آن برای حمل بر مضارع نباشد، حمل بر همان معنای موضوع له حقیقی که ماضی است می شود.

ب) آیه مورد بحث در آخرین ماه های نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است، و اگر فعل را حمل بر مضارع و آینده کنیم معنای آیه این می شود: «و اگر آنچه را که بعداً بر تو نازل می کنیم در ماه های باقیمانده از نبوتت ابلاغ نکنی، هرگز رسالتت را به پایان نرسانده ای.» معنایی که در هیچ روایتی به آن اشاره نشده و از هیچ عالم شیعی و سنی نیز نرسیده است. در این صورت آیه بر این دلالت می کند که خداوند بر پیامبرش مطالبی را نازل کرده که ابلاغش بر او سنگین و دشوار بوده است. و از طرفی نیز پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به تبلیغ آن است. حضرت صلی الله علیه و آله در فکر دشواری چگونگی تبلیغ آن است که آیه فوق نازل می شود تا به او گوشزد کند که هیچ فکر و ناراحتی به خود راه ندهد که مردم در مقابل ابلاغ آنچه موضعی خواهند داشت ...

۲ - بیان اهمیت شرط

جمله شرطیه در آیه «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» در مقام تهدید آمده است و حقیقت آن، بیان اهمیت حکم است، به این معنا که اگر این حکم به مردم نرسد و حق آن مراعات نشود گویا حق هیچ جزئی از اجزای دین مراعات نشده است. نتیجه این که: جمله شرطیه در صدد بیان اهمیت شرط در ترتب جزاء مهمتر است، و لذا نمی توان این نوع جمله شرطیه را همانند جملات شرطیه دیگر دانست که در مکالمات رایج است؛ زیرا غالب جملات شرطیه در مواردی به کار برده می شود که انسان به تحقق جزاء جاهل است

چون از تحقق شرط آگاهی ندارد، ولی این احتمال در حق پیامبر صلی الله علیه و آله جاری نمی شود. (۱)

۳ - نوع خوف پیامبر صلی الله علیه و آله

از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شجاع بوده و در راه پیشبرد اهداف اسلام از هیچ فداکاری ای دریغ نمی کرده است، لذا خوفی که از آیه استفاده می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در ابلاغ آن داشته، مربوط به خودش نبوده، بلکه خوف حضرت بر اسلام و رسالتش بوده است.

۴ - مقصود از «الناس»

گرچه افرادی امثال فخر رازی در صدند که «الناس» در آیه را به کفار برگردانند به قرینه ذیل آیه که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»، ولی این معنا خلاف ظاهر کلمه «الناس» است؛ زیرا «ناس» اعم از کافر و مؤمن است و وجهی برای حصر آن در کفار نیست. و لذا باید «کافران» در آیه را به مرتبه ای از کفر معنا کرد که شامل منافقان زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که از آن ها خوف داشته نیز بشود.

۵ - معنای عصمت

مطابق بیانات گذشته، مقصود از مصونیت الهی که به پیامبرش وعده داده شده، نوع عصمتی است که با خوف رسول خدا صلی الله علیه و آله تناسب داشته است، که همان عصمت از طعن در نبوت و اتهام حضرت صلی الله علیه و آله به اموری است که با مقام نبوت او سازگاری ندارد.

ص: ۱۴

اینک به برخی از روایاتی که درباره نزول آیه تبلیغ در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام از طرق فریقین وارد شده، اشاره می‌کنیم:

۱ - روایت ابی نعیم اصفهانی

روایت ابی نعیم اصفهانی

ابی نعیم از ابوبکر خلد، از محمد بن عثمان بن ابی شیبیه، از ابراهیم بن محمد بن میمون، از علی بن عباس، از ابی حجاج و اعمش، از عطیه، از ابی سعید خدری نقل کرده که این آیه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ...» در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام بر رسول خداصلی الله علیه وآله نازل شده است. (۱)

بررسی سند

- ابوبکر بن خالد: همان احمد بن یوسف بغدادی است که خطیب بغدادی، سماع او را صحیح دانسته و ابو نعیم بن ابی فراس او را ثقه معرفی کرده است. (۲) و ذهبی نیز او را شیخ صدوق خوانده است. (۳)

- محمد بن عثمان بن ابی شیبیه: کسی است که ذهبی او را از ظرفیت های علم برشمرده و صالح جزیره او را ثقه معرفی کرده است

ص: ۱۵

۱-۳. الخصائص، ابن بطریق، به نقل از کتاب «ما نزل من القرآن فی علی» از ابی نعیم اصفهانی.

۲-۴. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۳-۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۶۹.

و ابن عدی می گوید: من از او حدیث منکری نشنیدم که آن را ذکر کنم. (۱)

- ابراهیم بن محمد بن میمون: ابن حیان او را در جمله ثقات آورده است. (۲) و کسی او را در کتب ضعفاء ذکر نکرده است، و اگر عیبی از او گرفته می شود به جهت آن است که او فضایل اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل می کند.

- علی بن عابس: او از رجال صحیح ترمذی است. (۳) و اگر عیبی بر او وارد می شود همانند شاگردش به جهت نقل فضایل اهل بیت علیهم السلام است. ولی مطابق نصّ ابن عدی حدیثش نوشته می شود. (۴)

- ابو الحجاج: او که داوود بن ابی عوف نام دارد، از رجال ابی داوود و نسائی و ابن ماجه به حساب آمده، که احمد بن حنبل و یحیی بن معین او را توثیق کرده اند، و ابو حاتم نیز او را صالح الحدیث می داند. (۵) گرچه ابن عدی به جهت این که غالب احادیث او درباره اهل بیت علیهم السلام است، او را تضعیف کرده است. (۶)

- اعمش: او از رجال صحاح سته به شمار می آید. (۷)

در نتیجه این که: این حدیث مطابق رأی اهل سنت معتبر است.

۲ - روایت ابن عساکر

روایت ابن عساکر

ابن عساکر از ابوبکر وجیه بن طاهر، از ابو حامد ازهری، از

ص: ۱۶

۱- ۶. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۳.

۲- ۷. الثقات، ج ۸، ص ۷۴.

۳- ۸. تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۹.

۴- ۹. الکامل فی الضعفاء، ج ۵، ص ۱۹۰، رقم ۱۳۴۷.

۵- ۱۰. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۸.

۶- ۱۱. الکامل فی الضعفاء، ج ۳، ص ۸۲ و ۸۳، رقم ۶۲۵.

۷- ۱۲. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۳۱.

ابو محمد مَخْلَدِي حُلَوَانِي، از حَسَن بِن حَمَادِ سَجَّادِهِ، از عَلِي بِن عَابِس، از اَعْمَش و اَبِي الْجَحَاف، از عَطِيه از اَبِي سَعِيدِ خَدْرِي نقل کرده که این آیه « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ » بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. (۱)

بررسی سند

- وجیه بن طاهر: ابن جوزی او را شیخ صالح و صدوق، (۲) و ذهبی او را شیخ عالم و عدل معرفی کرده است. (۳)
- ابو حامد ازهری: که همان احمد بن حسن نیشابوری است، به تصریح ذهبی عدل و صدوق است. (۴)
- ابو محمد مَخْلَدِي: حاکم او را صحیح السماع و متقن در روایت معرفی کرده است. (۵) و ذهبی نیز او را شیخ صدوق و عدل و شیخ عدالت دانسته است. (۶)
- ابوبکر محمد بن ابراهیم حلوانی: خطیب بغدادی او را ثقه می داند. (۷) و حاکم نیشابوری او را از ثقات اَثْبَات دانسته (۸) و ذهبی او را حافظ ثبت معرفی کرده است. (۹) و ابن جوزی نیز او را ثقه می داند. (۱۰)
- حَسَن بِن حَمَادِ سَجَّادِهِ: او از رجال ابی داوود و نسائی و ابن ماجه است که احمد بن حنبل در حق او گفته: «از او به جز خیر به من

ص: ۱۷

-
- ۱- ۱۳. ترجمه امام علی بن ابی طالب علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۸۶.
 - ۲- ۱۴. المنتظم، ج ۱۸، ص ۵۴.
 - ۳- ۱۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۰، ص ۱۰۹.
 - ۴- ۱۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۲۵۴.
 - ۵- ۱۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۵۴۰.
 - ۶- ۱۸. سیر اعلام النبلاء، ص ۵۳۹.
 - ۷- ۱۹. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۹۸.
 - ۸- ۲۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۶۱.
 - ۹- ۲۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۶۰.
 - ۱۰- ۲۲. المنتظم، ج ۱۲، ص ۲۷۹.

نرسیده است.» (۱) ذهبی او را از اجلاء علما و ثقات عصر خود دانسته، (۲) و ابن حجر نیز او را صدوق معرفی کرده است. (۳)

بقیه رجال سند حدیث قبلاً بررسی شد.

۳- روایت واحدی

روایت واحدی

واحدی ابوسعید محمد بن علی صفّار، از حسن بن احمد مخلصی از محمد بن حمدون، از محمد ابراهیم خلوتی (حلوانی)، از حسن بن حمّاد سجّاده، از علی بن عابس، از اعمش و ابی جحّاف، از عطیه، از ابی سعید خدری نقل کرده که این آیه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در روز غدیر خم در حقّ علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد.

بررسی سند

محمود زعبی در کتاب خود «البینات فی الردّ علی المراجعات» تنها اشکالی که به سند این حدیث داشته وجود عطیه در سند آن است.

او می گوید: «عطیه کسی است که امام احمد او را ضعیف الحدیث دانسته و ابوحاتم نیز او را تضعیف کرده و ابن عدی او را از شیعیان کوفه به حساب آورده است.»

ولی این تضعیف به طور قطع ناصواب است؛ زیرا:

اولاً: عطیه عوفی از تابعین است که مورد مدح رسول خداصلی الله علیه وآله واقع شده اند.

ثانیاً: او از رجال بخاری در کتاب «الأدب المفرد» و صحیح

ص: ۱۸

۱- ۲۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۳۹۳.

۲- ۲۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۳۹۳.

۳- ۲۵. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۶۵.

ابی داوود و ترمذی و ابن ماجه و احمد به حساب می آید، که علمای اهل سنت شدیداً آن ها را مدح کرده اند.

آری، امثال جوزجانی او را تضعیف کرده اند که معروف به ناصبی بودن و انحراف از علی بن ابی طالب علیه السلام هستند. و سبب تضعیف او نیز به جهت آن است که امام علی علیه السلام را بر همه ترجیح می داد. و هنگامی که به امر حجاج مأمور شد تا سبّ بر امام علی علیه السلام گوید، امتناع کرد و در نتیجه ۴۰۰ ضربه شلاق خورد و ریشش را نیز تراشیدند. آیا هر کسی حرف حق را بگوید باید تضعیف شود؟!

۴- روایت حبری

حبری از حسن بن حسین، از حبان، از کلبی، از ابی صالح، از ابن عباس در تفسیر آیه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ...» نقل کرده که آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است. رسول خداصلی الله علیه وآله امر شد تا آنچه درباره او است ابلاغ کند. پس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه، اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه»؛ (۱) «هر کس من مولای اویم این علی مولای اوست. بار خدایا! دوست بدار هر کس را که ولایت او را پذیرفته و دشمن بدار هر کس را که با او دشمنی کرده است.»

سند این روایت نزد اهل سنت معتبر است.

شأن نزول آیه از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

کلینی رحمه الله با سند صحیح از زراره، فضیل بن یسار، بکیر بن اعین، محمد بن مسلم، برید بن معاویه و ابی الجارود، همگی از امام باقر علیه السلام چنین نقل می کنند: «خداوند، پیامبرش را به ولایت علی علیه السلام

ص: ۱۹

فرمان داد و بر او چنین نازل کرد: « إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ » (۱). خداوند ولایت اولی الامر را واجب کرد، آنان نمی دانستند این ولایت چیست، پس خداوند به محمدصلی الله علیه وآله فرمان داد ولایت را برای آنان تفسیر کند همان گونه که احکام نماز و زکات و روزه و حج را تفسیر می کند. چون این فرمان رسید، حضرت دلتنگ شده و نگران بود، نکند مردم از دینشان برگشته و او را تکذیب کنند. حضرت به پروردگارش رجوع کرد. پس خداوند چنین وحی فرستاد: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ». پس حضرت به فرمان خدا امر ولایت را آشکار ساخت و به معرفی ولایت علی علیه السلام در روز غدیر خم پرداخت... و به مردم فرمان داد تا حاضران به غایبان اطلاع دهند...» (۲).

راویان حدیث از صحابه

دانشمندان اهل سنت به نقل از صحابه، روایات متعددی را نقل کرده اند که صریح در نزول آیه «تبلیغ» در شأن امام علی علیه السلام است؛ از قبیل:

۱ - زید بن ارقم. (۳)

۲ - ابو سعید خدری. (۴)

ص: ۲۰

۱- ۲۷. سوره مائده، آیه ۵۵.

۲- ۲۸. کافی، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۵.

۳- ۲۹. الغدیر، ج ۱، ص ۴۲۴.

۴- ۳۰. تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۷۳، ح ۹:۶۶؛ در المنثور، ج ۳، ص ۱۱۷؛ ترجمه الامام علی علیه السلام من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۸۵، ح ۵۸۸.

۳ - عبدالله بن عساكر. (۱)

۴ - عبدالله بن مسعود. (۲)

۵ - جابر بن عبدالله انصاری. (۳)

۶ - ابوهريره. (۴)

۷ - عبدالله بن ابی اوفی اسلمی. (۵)

۸ - براء بن عازب انصاری. (۶)

راویان حدیث از تابعین

و از تابعین نیز آنان که نزول آیه را درباره امام علی علیه السلام و روز غدیر می دانند عبارتند از:

۱ - امام باقر علیه السلام. (۷)

۲ - امام جعفر صادق علیه السلام. (۸)

۳ - عطیه بن سعد عوفی. (۹)

ص: ۲۱

۱ - ۳۱. الامالی، ص ۱۶۲، ح ۱۳۳؛ مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۴۰، ح ۳۴۹؛ الکشف والبیان، ج ۴، ص ۹۲؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۲۴۰.

۲ - ۳۲. مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۳۹، ح ۳۴۶؛ درّ المنثور، ج ۳، ص ۱۱۷؛ فتح القدیر، ج ۲، ص ۶۰؛ روح المعانی، ج ۴، ص ۲۸۲.

۳ - ۳۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۲۴۹.

۴ - ۳۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۴۹، ح ۲۴۴؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۱۲۰.

۵ - ۳۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۲۴۷.

۶ - ۳۶. مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰؛ الکشف والبیان، ج ۴، ص ۹۲.

۷ - ۳۷. الکشف والبیان، ج ۴، ص ۹۲؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۱۹، باب ۳۹؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۲۴۸؛ مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰؛ عمدہ القاری، ج ۱۸، ص ۲۰۶.

۸ - ۳۸. تفسیر الحبري، ص ۲۸۵، ح ۴۱.

۹ - ۳۹. النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی، ص ۸۶، ح ۱۶.

۴ - زید بن علی. (۱)

۵ - ابو حمزه ثمالی. (۲)

راویان حدیث از علمای عامه

جماعت بسیاری از علماء عامه این حدیث را در کتب خود نقل کرده اند؛ از قبیل:

۱ - ابو جعفر طبری. (۳)

۲ - ابی حاتم رازی. (۴)

۳ - حافظ ابو عبدالله محاملی. (۵)

۴ - حافظ ابن مردویه. (۶)

۵ - ابو اسحاق ثعلبی. (۷)

۶ - ابو نعیم اصفهانی. (۸)

۷ - واحدی نیشابوری. (۹)

۸ - حاکم حسکانی. (۱۰)

۹ - ابو سعید سجستانی. (۱۱)

۱۰ - ابوالقاسم ابن عساکر شافعی. (۱۲)

۱۱ - فخر رازی. (۱۳)

ص: ۲۲

۱ - ۴۰. مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۴۰، ح ۳۴۸.

۲ - ۴۱. همان، ص ۲۴۰، ح ۳۴۷.

۳ - ۴۲. الولایه فی طریق حدیث الغدیر.

۴ - ۴۳. درّ المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ فتح القدیر، ج ۲، ص ۵۷.

۵ - ۴۴. کتّز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳، ح ۳۲۹۱.

۶ - ۴۵. درّ المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸.

- ٧-٤٦. الكشف والبيان، ج ٤، ص ٩٢.
- ٨-٤٧. ما نزل من القرآن في علي عليه السلام، ص ٨٦.
- ٩-٤٨. اسباب النزول، ص ١٣٥.
- ١٠-٤٩. شواهد التنزيل، ج ١، ص ٢٥٥، ح ٢٤٩.
- ١١-٥٠. كتاب الولايه، به نقل از الطرائف، ج ١، ص ١٢١.
- ١٢-٥١. تاريخ مدينه دمشق، ج ١٢، ص ٢٣٧.
- ١٣-٥٢. التفسير الكبير، ج ١٢، ص ٤٩.

۱۲ - ابو سالم نصیبی شافعی. (۱)

۱۳ - شیخ الاسلام حمّوئی. (۲)

۱۴ - سید علی همدانی. (۳)

۱۵ - ابن صباغ مالکی. (۴)

۱۶ - قاضی عینی. (۵)

۱۷ - نظام الدین نیشابوری. (۶)

۱۸ - کمال الدین مبدی. (۷)

۱۹ - جلال الدین سیوطی. (۸)

۲۰ - میرزا محمد بدخشانی. (۹)

۲۱ - شهاب الدین آلوسی. (۱۰)

۲۲ - قاضی شوکانی. (۱۱)

۲۳ - قندوزی حنفی. (۱۲)

۲۴ - شیخ محمد عبده. (۱۳)

دیدگاه شیعه درباره آیه تبلیغ

شیعه معتقد است آیه تبلیغ مربوط به ولایت امام علی علیه السلام بوده و مصداق « ما أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ » ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ زیرا:

ص: ۲۳

۱- ۵۳. مطالب السؤل، ص ۱۶.

۲- ۵۴. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۱۲۰.

۳- ۵۵. موده القربى، مودت پنجم.

۴- ۵۶. الفصول المهمه، ص ۴۲.

۵- ۵۷. عمدہ القاری فی شرح صحیح البخاری، ج ۱۸، ص ۲۰۶.

- ٦-٥٨. غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ٦، ص ١٩٤.
- ٧-٥٩. شرح ديوان اميرالمؤمنين ٧، ص ٤٠٦.
- ٨-٦٠. درّ المنشور، ج ٣، ص ١١٦.
- ٩-٦١. مفتاح النجاه، ص ٣٤ - ٣٦، باب ٣، فصل ١١.
- ١٠-٦٢. روح المعاني، ج ٦، ص ١٩٢.
- ١١-٦٣. فتح القدير، ج ٢، ص ٦٠.
- ١٢-٦٤. ينابيع الموده، ج ١، ص ١١٩، باب ٣٩.
- ١٣-٦٥. المنار، ج ٦، ص ٤٦٣.

اولاً: خداوند متعال در این مورد اهتمام بسیاری کرده است، به حدّی که اگر این موضوع ابلاغ نشود گویا رسالت پیامبر ابلاغ نشده است. و این امری جز مسأله امامت و زعامت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام نیست که عهده دار وظایف و شؤونات نبیّ به جز وحی است.

ثانیاً: از آیه فوق استفاده می شود که ابلاغ این امر برای رسول خداصلی الله علیه وآله دشوار بوده است؛ زیرا خوف آن را داشته که مردم از فرمان او سرپیچی کرده و با ایجاد اختلاف و تشّت، زحمات ۲۳ ساله او را بر باد دهند، و این مطلب - با مراجعه به تاریخ - جز ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام چیز دیگری نبوده است.

دریک بررسی اجمالی در آیات قرآن خواهیم دید که رسول خداصلی الله علیه وآله میثاق بر نبوّت داشته (۱) و از ناحیه خداوند مأمور به استقامت و صبر بوده است. (۲) از این رو در تبلیغ دین خدا و رساندن پیام ها هیچ کوتاهی نکرده و در برابر درخواست غیر معقول و بهانه جویی ها هرگز سر تسلیم فرود نیاورده است. (۳) پیامبر خداصلی الله علیه وآله در ابلاغ پیام ها حتی در مواردی که به نوعی تحمیل آن برای دیگران سنگین می بود، مانند داستان زینب همسر زید، (۴) استحیای از مؤمنان، (۵) ابلاغ همین آیه مورد بحث و ... چیزی را به دلیل ترس از خود و یا امر دیگر فروگذار نکرده است.

ص: ۲۴

۱- ۶۶. سوره احزاب، آیه ۷.

۲- ۶۷. سوره هود، آیه ۱۲.

۳- ۶۸. سوره یونس، آیه ۱۵.

۴- ۶۹. سوره احزاب، آیه ۳۷.

۵- ۷۰. همان، آیه ۵۳.

بنابراین، دلیل دل‌نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله را باید در جای دیگر (نه ترس از قتل) جستجو کرد و آن، پیامدهای وخیم تکذیب منافقان و عکس‌العمل منفی برخی از یاران حضرت صلی الله علیه و آله در برابر این پیام بوده که منجر به حبط عمل آنان و شدت نفاق و کفر منافقان می‌شد. و از سوی دیگر با تکذیب و کفر آنان، ادامه رسالت و حتی اصل رسالت ناکام می‌ماند و موجب هدم دین می‌شد.

ثالثاً: روایات صحیح‌السند نیز از طرق شیعه و سنی، شأن نزول آیه «اکمال» را درباره حضرت امیر مؤمنان علیه السلام می‌دانند.

نتیجه این که مقصود از « ما أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ » امر ولایت حضرت علی علیه السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ آن بوده است.

برخی از علمای اهل سنت در صدد توجیه دیگری برای آیه برآمده اند تا ربطی به مسأله غدیر نداشته و از مؤیدات ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به حساب نیاید. اینک این توجیها را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱ - نزول آیه در مورد محافظت پیامبر صلی الله علیه وآله در مدینه

اهل سنت بر اساس برخی از روایات می گویند: پیش از نزول این آیه از پیامبر صلی الله علیه وآله محافظت می شد ولی پس از نزول آن و تضمین خداوند بر حفظ جان ایشان، عذر نگهبانان را خواستند، و فرمودند: «بروید، خداوند من را حفظ خواهد کرد.»

پاسخ

اولاً: این روایات بر فرض احراز صدور، در صدد بیان مورد نزول آیه نیست و با آن منافاتی ندارد، بلکه در آن ها تنها استناد پیامبر خدا صلی الله علیه وآله را به بخشی از این آیه نشان می دهد و چون در متن برخی از روایات تصریح شده این تریخ از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه وآله در مدینه بوده است، احتمال دارد در فاصله غدیر خم تا وفات پیامبر خدا صلی الله علیه وآله باشد.

ثانیاً: اساساً مفسران اهل سنت این روایات را غریب دانسته و بر این قول متفقند که چون آیه مذکور مدنی و در اواخر بعثت نازل شده است، با حراست ابو طالب در مکه پیوندی ندارد.

ثالثاً: قول به این که آیه فوق دو بار یکی در اوائل بعثت و دیگری در مدینه در اواخر بعثت نازل شده باشد،^(۱) نمی تواند مشکلی را حل کند؛ زیرا بر فرض که آیه در اوائل بعثت نازل شده باشد و در آن تضمین خداوند بر حفظ پیامبر صلی الله علیه وآله باشد ولی نیازی به نگهداری رسول خدا صلی الله علیه وآله در مدینه توسط یارانش نخواهد بود.

۲- نزول آیه در مورد حراست در مکه

سیوطی از ابن عباس نقل می کند که از رسول خدا صلی الله علیه وآله سؤال شد: کدام آیه بر شما گران آمد؟ حضرت فرمود: «در ایام موسم حج در منا بودم و مشرکان عرب و سایر مردم در آنجا بودند. جبرائیل بر من نازل شد و گفت «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ...» من برخاستم و ندا دادم: ای مردم! چه کسی مرا یاری می کند تا پیام پروردگارم را برسانم و برای او بهشت باشد. ای مردم! بگوئید: لا اله الا الله و من رسول خدایم تا رستگار شده، نجات یابید و به بهشت روید. پس هیچ کس از مرد و زن و کودک نبود جز آن که مرا با خاک و سنگ هدف قرار دادند و در صورتم آب دهان انداختند و گفتند: دروغگو است... پس عموی ایشان عباس آمد و حضرت را از دست آنان نجات داد و آنان را به عقب راند.»^(۲)

پاسخ

حدیث از موضوعات و جعلیات بنی العباس بوده تا در برابر علویان فضیلتی بسازند؛ زیرا:

اولاً: آیه مذکور به اتفاق شیعه و سنی در اوائل بعثت در مکه نازل نشده است. و تکرار نزول هم وجهی ندارد.

ص: ۲۷

۱- ۷۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۷۹.

۲- ۷۲. در المنثور، ج ۳، ص ۱۷؛ روح المعانی، ج ۴، ص ۲۹۰؛ فتح القدير، ج ۲، ص ۶۱.

ثانیاً: این حدیث خیر واحد است و مخالفت است با تمام احادیثی که مخالف با این مضمون دارد.

۳- نزول آیه در جنگ با بنی انمار!!

ابن ابی حاتم به نقل از جابر بن عبداللّه انصاری می گوید: «در جنگ پیامبر خداصلی الله علیه وآله با بنی انمار، حضرت بر سر چاهی نشستند. مردی به نام «وارث» یا «غورث بن حارث» از بنی نجار قصد کشتن حضرت را کرد... وی نزد پیامبر آمد و گفت: شمشیرت را بده تا ببویم. حضرت آن را به وی داد. آن گاه از دستش لیز خورده و افتاد. پیامبرصلی الله علیه وآله به او فرمود: خداوند بین تو و آنچه می خواستی انجام دهی مانع شد. آن گاه این آیه نازل شد: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ». (۱)

پاسخ

اولاً: ابن کثیر بعد از نقل این حدیث می گوید: «حدیث جابر بدین صورت غریب است.» (۲)

ثانیاً: در نقل این داستان اختلاف است؛ زیرا ابو هریره آن را به نحو دیگری نقل می کند. (۳) و اختلاف در نقل سبب وهن روایت است.

ثالثاً: این داستان با متن آیه سازگاری ندارد؛ زیرا در آن ضمانت بر حفظ پیامبر خداصلی الله علیه وآله به خاطر ابلاغ پیام خداوند می باشد.

رابعاً: توطئه برای قتل رسول خداصلی الله علیه وآله تازگی نداشته تا در اثر آن در اواخر بعثت، خداوند طبق آیه مذکور، ضمانت بر حفظ پیامبرصلی الله علیه وآله کند.

ص: ۲۸

۱- ۷۳. تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۱۷۳، ح ۶۶۱۴.

۲- ۷۴. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۷۹.

۳- ۷۵. اسباب النزول، سیوطی، ص ۱۵۲؛ درّ المنثور، ج ۳، ص ۱۱۹؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۷۹.

خامساً: این جریان با تمام روایاتی که از طریق شیعه و سنتی نقل شده منافات دارد؛ زیرا در آن ها نگرانی پیامبر صلی الله علیه وآله از تبلیغ دستوری بوده که بر ایشان نازل شده است.

۴ - نزول آیه درباره رجم و قصاص

برخی از اهل سنت در شأن نزول آیه می گویند: «خداوند به پیامبرش دستور داد تا آنچه را که درباره حکم رجم و قصاص بر وی نازل شده اعلان کند. در واقع این اعلان برخوردی در برابر موضع یهود بود که می خواستند به نحوی از حکم رجم زنای محصنه و قصاص که در تورات آمده است فرار کنند. از این رو افرادی را نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله فرستادند تا از ایشان درباره این دو موضوع سؤال کنند، جبرئیل نازل شد و حکم رجم و قصاص را آورد. (۱)»

این افراد از اهل سنت می گویند: آیات ۴۱ تا ۴۳ که پیش از آیه مورد بحث در همین سوره مائده است، در این باره می باشد.

پاسخ

اولاً: این قول بدون دلیل و مخالف با اقوال تمام صحابه است.

ثانیاً: متن این آیات در ردّ این قول کافی است، چون یهود در زمان نزول این سوره در اواخر بعثت تار و مار شده و سر جایشان نشسته بودند و در موقعیتی قرار نداشتند که بتوانند به حضرت زینبی برسانند تا خداوند وعده حفظ به او دهد.

۵ - نزول آیه درباره مکر یهود!!

اولین کسی که آیه «تبلیغ» را در مورد مکر یهود تفسیر کرده،

ص: ۲۹

۱- ۷۶. عمدهالقاری، ج ۱۸، ص ۲۰۶؛ تفسیر معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۱؛ مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۴۸.

مقاتل بن سلیمان است. (۱) و پس از وی طبری و بغوی و محمد بن ابی بکر رازی این قول و تفسیر را اختیار کرده اند. (۲) فخر رازی نیز پس از احتمالات فراوان در مورد نزول آیه مورد بحث همین قول را برگزیده و تنها دلیل آن را نیز سیاق یا تناسب آیات قبل و بعد دانسته که جملگی درباره یهودیان است. (۳)

پاسخ

اولاً: سوره مائده آخرین سوره ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله در حجه الوداع نازل شده است، و در آن موقع یهود شوکتی نداشته اند تا پیامبر صلی الله علیه و آله از آن ها خوف داشته باشد و احتیاج به محافظت و عصمت و نگهبانی از آن ها داشته باشد.

ثانیاً: قرآن موجود بر اساس ترتیب نزول آن نبوده تا بتوان به سیاق آیات آن بر ظهور یک معنا تمسک کرد.

ثالثاً: سیاق بر فرض ظهور داشتن، قرینه مقامی است و در برابر نصّ روایات و قرینه های دیگر ظهوری نخواهد داشت.

رابعاً: بنا بر گفته فخر رازی، حکمی که خداوند درباره یهود نازل کرد و به قدری بر آنان گران تمام شد که موجب تأخیر در ابلاغ آن از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله گردید، این بود: « يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ... » «ای اهل کتاب شما بر هیچ چیز نیستید تا آن که...» در حالی که قرآن پیش از این آیه در آیه ۶۴ همین سوره خطاب تندتری به یهود دارد: « وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا

ص: ۳۰

۱- ۷۷. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۴۹۱ و ۴۹۲.

۲- ۷۸. جامع البیان، طبری، ج ۴، ص ۳۰۷؛ تفسیر معالم التنزیل، بغوی، ج ۲، ص ۵۱؛ تفسیر اسأله القرآن المجید و اجوبتها، رازی، ص ۷۴.

۳- ۷۹. مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰.

قالوا...»؛ «و یهود گفتند: دست خدا [با زنجیر] بسته است، دست هایشان بسته باد! و به خاطر این سخن از رحمت [الهی دور شوند...»

خامساً: وجود این آیه در بین آیات یهود ممکن است اشاره به این نکته باشد که منافقانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن ها خوف داشت به منزله یهود و از سنخ آنان در کفر و ضلالتند.

ص: ۳۱

آیه اکمال

اشاره

ص: ۳۳

از جمله آیاتی که دلالت بر امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام دارد و می تواند پشتوانه بسیار محکمی برای حدیث «غدیر» در افاده معنای ولایت و امامت باشد، آیه معروف به «اکمال» است. خداوند متعال می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ (۱) «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم.»

در ذیل آیه، روایات بسیاری از فریقین وارد شده که آیه در شأن امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده است. اینک به بحث و بررسی درباره آن می پردازیم.

بررسی احادیث

توضیح

با مراجعه به مصادر حدیثی اهل سنت، به وجود روایاتی «صحیح السند» در رابطه با نزول آیه در شأن امام علی علیه السلام پی می بریم، اینک به بررسی برخی از این روایات می پردازیم:

۱ - روایت ابی نعیم اصفهانی

روایت ابی نعیم اصفهانی

ابو نعیم از محمد بن احمد بن علی بن مخلد، از محمد بن عثمان بن ابو شیبه، از یحیی حمانی، از قیس بن ربیع، از ابو هارون عبدی، از ابو سعید خدری نقل می کند که: پیامبر صلی الله علیه وآله مردم را در روز غدیر

ص: ۳۴

خم به علی علیه السلام دعوت نمود. و امر کرد که هر چه خار و خاشاک زیر درخت بود بکنند. و این واقعه در روز پنجشنبه بود. علی علیه السلام را صدا زد، آن گاه بازوهای او را گرفت و هر دو را بلند نمود، به حدی که مردم سفیدی زیر بغل های رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشاهده کردند. مردم متفرق نشدند تا این که این آیه نازل شد: « أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا » پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: الله اکبر بر کامل کردن دین و تمام نمودن نعمت، و رضایت پروردگار به رسالت من و به ولایت علی بعد از من. آن گاه فرمود: هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست، بار خدایا هر کس ولایت او را پذیرفت او را دوست بدار و هر که با او دشمنی نمود او را دشمن دار. و هر کس او را یاری کرد یاری کن و هر کس او را خار کرد خارش نما... (۱).

بررسی سند

- محمد بن احمد بن علی بن مخلد معروف به ابن محرم؛ وی از بزرگان شاگردان ابن جریر طبری و ملازمین او است، که دار قطنی و ابو بکر برقانی او را معتبر دانسته اند، و ذهبی از او به امام تعبیر کرده است. (۲) و اگر برخی او را تضعیف کرده اند به جهت نقل احادیث مناقب اهل بیت علیهم السلام است.

- محمد بن عثمان بن ابی شیبیه، ذهبی او را به امام حافظ تعبیر کرده، و صالح جزره او را توثیق نموده است. و ابن عدی می گوید: من از او حدیث منکری ندیده ام تا آن را نقل کنم. (۳)

ص: ۳۵

-
- ۱- ۸۱. خصائص الوحي المبين، ص ۶۱ و ۶۲، به نقل از کتاب منازل علی من القرآن از ابی نعیم اصفهانی.
 - ۲- ۸۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۶۱؛ تاریخ بغداد ج ۱، ص ۳۳۱؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۶.
 - ۳- ۸۳. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۳.

- یحیی حمّانی؛ او از رجال مسلم در صحیح اوست. و نیز از مشایخ ابی حاتم و مطین و امثال این دو از بزرگان اهل سنت به حساب می آیند. و عده ای از یحیی بن معین نقل کرده اند که او را صدوق و ثقه معرفی نموده است. و نیز گروهی دیگر از علمای اهل جرح و تعدیل (رجال) او را توثیق نموده اند. و هر کس درباره او سخنی ناشایست گفته به جهت حسد او بوده است. گفته اند که او عثمان را دوست نداشته و درباره معاویه می گفته که او بر غیر ملت اسلام بوده است. (۱)

- قیس بن ربیع؛ او از رجال ابی داوود و ترمذی و ابن ماجه به حساب می آید. و ابن حجر او را صدوق دانسته است. (۲)

- ابو هارون عبدی؛ وی همان عماره بن جوین است، او از مشاهیر تابعین بوده و از رجال بخاری در «خلق افعال العباد»، و ترمذی و ابن ماجه و از شیوخ ثوری و حمّادین و دیگران از بزرگان اهل سنت بوده است. گرچه برخی به جهت تشیع بر او خرده گرفته اند، (۳) ولی نمی توانند او را رد کنند؛ زیرا حدیث او در کتب بخاری و دو کتاب از صحاح اهل سنت وارد شده است. و دیگر این که در جای خود به اثبات رسیده که تشیع با وجود صداقت وی مضرّ به حدیث او نیست. (۴)

۲ - روایت خطیب بغدادی

روایت خطیب بغدادی

خطیب بغدادی از عبد الله بن علی بن محمد بن بشران، از علی

ص: ۳۶

۱- ۸۴. تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۲۱۳-۲۱۸.

۲- ۸۵. تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳- ۸۶. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۶۱ و ۳۶۲.

۴- ۸۷. ر.ک: مقدمه فتح الباری.

بن عمر حافظ، از ابو نصر حبشون بن موسی بن ایوب خَلال، از علی بن سعید رملی، از ضمیره بن ربیعہ قرشی، از ابن شوذب، از مطر وزّاق، از شهر بن حوشب، از ابو هریره نقل کرده که گفت: هر کس در روز هجدهم ذی حجّه روزه بگیرد، ثواب شصت ماه روزه بر او نوشته خواهد شد. و آن روز، روز غدیر خم است، زمانی که پیامبر صلی الله علیه وآله دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و فرمود: آیا من ولیّ مؤمنین نیستم؟ گفتند: آری، ای رسول خدا! فرمود: هر که من مولای اویم پس علیّ مولای اوست. عمر بن خطاب گفت: مبارک باد، مبارک باد ای پسر ابی طالب! تو مولای من و مولای هر مسلمان شدی. آن گاه خداوند این آیه را نازل کرد: « أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ... » (۱).

بررسی سند

- ابن بشران (م ۴۱۵)؛ خطیب بغدادی او را صدوق، ثقه، ثبت و ... معرفی کرده است. و ذهبی نیز او را عدل دانسته است. (۲)
- علی بن حافظ؛ وی دارقطنی است (م ۳۸۸) که علمای رجال او را بسیار تمجید کرده اند. (۳)
- ابو نصر حبشون؛ ذهبی او را صدوق دانسته و خطیب بغدادی نیز او را توثیق کرده و درباره او قول مخالفی ذکر نکرده است.
- علیّ بن سعید رملی؛ ذهبی تصریح به وثاقت او کرده و می گوید: تا به حال کسی را ندیدم که درباره او مذمتی بگوید. (۴)

ص: ۳۷

-
- ۱- ۸۸. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰.
 - ۲- ۸۹. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۱۱.
 - ۳- ۹۰. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۴۴۹.
 - ۴- ۹۱. میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۲۵.

- ضمیره بن ربیعہ (م ۲۰۲)؛ او از رجال بخاری در کتاب «الادب المفرد» و چهار صحیح دیگر از صحاح اهل سنت است. عبد اللہ بن احمد از پدرش نقل کرده که او صالح الحدیث و از ثقات به حساب می آید. عثمان بن سعید دارمی، از یحیی بن معین و نسائی توثیق او را نقل کرده، و ابو حاتم او را صالح، و محمّد بن سعد او را ثقه مأمون خیر دانسته و گفته که افضل از او وجود ندارد. (۱)

- عبد اللہ بن شوذب (م ۱۵۶)؛ او از رجال ابی داوود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه است. ذہبی می گوید: جماعتی او را توثیق کرده اند، (۲) و ابن حجر او را صدوق عابد معرفی نموده است. (۳) و از سفیان نقل کرده که ابن شوذب از ثقات مشایخ ما به حساب می آید. و ابن معین و ابن عمار و نسائی نیز او را ثقه معرفی کرده است. و ابن جبان نیز او را در جمله ثقات به حساب آورده است. (۴)

- مطر وراق (م ۱۲۹)؛ او از رجال بخاری و رجال مسلم و چهار نفر دیگر از صاحبان صحاح است. (۵)

- شهر بن حوشب (م ۱۱۲)؛ او از رجال بخاری در کتاب «الادب المفرد» و مسلم و چهار نفر دیگر از صاحبان صحاح به حساب می آید و همین معنا در توثیق او نزد اهل سنت کافی است. (۶)

۳ - روایت ابن عساکر

روایت ابن عساکر

ابن عساکر به طرق مختلف این مضمون را نقل کرده است.

ص: ۳۸

۱- ۹۲. تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

۲- ۹۳. الکاشف، ج ۱، ص ۳۵۶.

۳- ۹۴. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۲۳.

۴- ۹۵. تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۵۵ - ۲۶۱.

۵- ۹۶. تهذیب الکمال، ج ۲۸، ص ۵۵۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۵۲.

۶- ۹۷. تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۵۷۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۵۵.

به یک سند از خطیب بغدادی نقل کرده که قبلاً ذکر شد.

در سندی دیگر از ابو بکر بن مزرفی، از حسین بن مهتدی، از عمر بن احمد، از احمد بن عبد الله بن احمد، از علی بن سعید رقی، از ضمیره، از ابن شوذب، از مطر وراق، از شهر بن حوشب از ابی هریره، همان مضمون قبل را نقل کرده است. (۱)

بررسی سند

- ابو بکر بن مزرفی (م ۵۲۷)؛ ابن جوزی می گوید: «من از او حدیث شنیدم، مردی ثبت، عالم و حسن العقیده بود.» (۲) و ذهبی نیز او را ثقه و متقن دانسته است. (۳)

- ابو الحسین بن مهتدی، (م ۴۶۵)؛ خطیب بغدادی او را ثقه، و سمعانی او را ثقه حجت معرفی کرده اند. (۴)

- عمر بن احمد؛ او که همان ابن شاهین است (م ۳۸۵)، خطیب بغدادی و ابن ماکولا- او را ثقه امین، و دارقطنی و ابو الولید باجی و ازهری او را ثقه، و ذهبی او را شیخ صدوق حافظ معرفی کرده است. (۵)

- احمد بن عبدالله بن احمد؛ وی ابن النیری سابق است.

بقیه رجال سند نیز قبلاً مورد بررسی قرار گرفت.

۴ - طریق دیگر از ابن عساکر

طریق دیگر از ابن عساکر

ابن عساکر هم چنین از ابو القاسم سمرقندی، از ابو الحسین بن نقور، از محمد بن عبدالله بن حسین دقاق، از احمد بن عبدالله بن احمد بن عباس بن سالم بن مهران، معروف به ابن النیری، از

ص: ۳۹

۱- ۹۸. ترجمه امیرالمؤمنین ۷ از تاریخ دمشق، رقم ۵۷۵ و ۵۷۸ و ۵۸۵.

۲- ۹۹. المنتظم، ج ۱۷، ص ۲۸۱.

۳- ۱۰۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۲۴۱.

۴- ۱۰۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۲۴۱.

۵- ۱۰۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۴۳۱.

سعید رقی، از ضمیره، از ابن شوذب، از مطر وزّاق از شهر بن حوشب از ابی هریره همین مضمون را نقل کرده است. (۱)

بررسی سند

- ابو القاسم بن سمرقندی (م ۵۳۶)؛ ابن عساکر و سلفی او را ثقه، و ذهبی او را شیخ امام معرفی کرده است. (۲)

- ابو الحسین بن نقور (م ۴۷۰)؛ خطیب او را صدوق، و ابن خیرون او را ثقه، و ذهبی او را شیخ جلیل صدوق، معرفی کرده است. (۳)

به بقیه رجال حدیث قبلاً اشاره شد.

راویان نزول آیه در روز غدیر خم

جماعت بسیاری از علمای اهل سنت، روایت نزول آیه در روز هجدهم ذی حجه در سرزمین غدیر خم را در کتاب های خود نقل کرده اند. اینک به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - حافظ ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰). (۴)

۲ - حافظ ابن مردویه اصفهانی (م ۴۱۰). (۵) (۶)

۳ - حافظ ابی نعیم اصفهانی. (۷)

۴ - حافظ ابو بکر خطیب بغدادی (م ۴۶۳). (۸)

ص: ۴۰

۱- ۱۰۳. ترجمه امیر المؤمنین علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ح ۵۷۵ و ۵۷۸ و ۵۸۵.

۲- ۱۰۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸.

۳- ۱۰۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۷۲.

۴- ۱۰۶. کتاب الولایه.

۵- ۱۰۷. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴؛ در المنثور، ج ۳، ص ۱۹؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۲۳۷؛ الاتقان، ج ۱، ص ۵۳.

۶- ۱۰۸.

۷- ۱۰۹. ما نزل من القرآن فی علیّ علیه السلام، ص ۵۶.

۸- ۱۱۰. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰.

۵ - حافظ ابو سعید سجستانی (م ۴۷۷). (۱)

۶ - ابو الحسن بن مغزلی شافعی (م ۴۸۳). (۲)

۷ - حافظ ابو القاسم حسکانی. (۳)

۸ - حافظ ابو القاسم بن عساكر دمشقى شافعی (م ۵۷۱). (۴)

۹ - خطیب خوارزمی (م ۵۶۸). (۵)

۱۰ - سبط بن جوزی. (۶)

۱۱ - شیخ الاسلام حمّوئی. (۷)

۱۲ - عماد الدین ابن کثیر دمشقى شافعی. (۸)

۱۳ - جلال الدین سیوطی شافعی. (۹)

۱۴ - میرزا محمد بدخشی. (۱۰)

و دیگران.

آراء در شأن نزول آیه

توضیح

در رابطه با شأن نزول آیه، سه رأی عمده مطرح است:

۱ - اشاره به دوران عظمت اسلام

فخر رازی احتمال می دهد که کلمه «الیوم» در این آیه در معنای حقیقی خود به کار نرفته است، بلکه معنای مجازی دارد، بدین معنا

ص: ۴۱

۱- ۱۱۱. کتاب الولایه.

۲- ۱۱۲. مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۱۸، ح ۲۴.

۳- ۱۱۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۲۱۱.

- ۴-۱۱۴. ترجمه امیر المؤمنین علیه السلام از تاریخ دمشق، ح ۵۷۵ و ۵۷۸ و ۵۸۵.
- ۵-۱۱۵. المناقب، ص ۱۳۵، ح ۱۵۲.
- ۶-۱۱۶. تذکره الخواص، ص ۳۰.
- ۷-۱۱۷. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۷۲، ح ۳۹.
- ۸-۱۱۸. البدايه والنهائيه، ج ۵، ص ۲۳۲.
- ۹-۱۱۹. در المنثور، ج ۳، ص ۱۹؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۳.
- ۱۰-۱۲۰. مفتاح النجاه، باب ۳، فصل ۱۱، ص ۳۴.

که «یوم» در این جا به معنای «دوران» و «یک برهه از زمان» است، نه یک قطعه کوتاه از زمان.

طبق این نظریه، آیه نظر به روز خاص و حادثه ویژه ای ندارد، بلکه از شروع و آغاز دوران عظمت اسلام و فرا رسیدن دوران یأس و ناامیدی کفار خبر می دهد.

پاسخ

اولاً: معنای مجازی و غیر حقیقی نیاز به قرینه روشنی دارد که فخر رازی برای این معنای مجازی، قرینه ای ارائه نمی دهد.

ثانیاً: اگر این تفسیر صحیح بود، نزول این آیه بنا بر این معنا سزاوارتر بود که در فتح مکه باشد.

ثالثاً: با روایاتی که دلالت بر نزول آیه در هجدهم ذی حجه دارد، سازگار نیست.

۲- نزول آیه در روز عرفه

فخر رازی احتمال دیگری می دهد که بگوییم آیه در روز عرفه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و کلمه «یوم» نیز در معنای حقیقی آن به کار رفته است، که همان روز خاص و معینی باشد؛ یعنی روز هشتم ماه ذی حجه در آخرین سفر حج پیامبر صلی الله علیه و آله که سال دهم هجرت بوده است.

بخاری به سند خود از عمر بن خطاب نقل کرده که مردی از یهود به او گفت: ای امیر المؤمنین! آیه ای در کتاب شما است که اگر بر ما جماعت یهود نازل شده بود آن روز را عید می گرفتیم. عمر گفت: کدامین آیه؟ او گفت: «أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا». عمر گفت: ما آن روز و مکانی را که این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد می دانیم، آن روز، روز عرفه و روز جمعه بود. (۱)

ص: ۴۲

أولاً: تمام روایات این چنینی از حیث سند ضعیف است؛ زیرا از پنج نفر از صحابه نقل شده است، که دو نفر از آن ها عمر بن خطاب و معاویه اند، و از آنجا که در قول به نزول آیه در روز نهم ذی حجه، نه روز هجدهم ذی حجه در غدیر خم طرف حساب هستند؛ زیرا هر دو غاصب خلافت امیر المؤمنین علیه السلام بوده اند، لذا قولشان مورد قبول نخواهد بود.

این روایت از طریق سمره بن جندب و ابن عباس و امام علی علیه السلام نیز نقل شده است، ولی در روایت سمره، عمر بن موسی بن وجیه قرار دارد که ضعیف است و لذا اصل روایت را هیثمی رد کرده است. (۱) و در سند روایت منسوب به ابن عباس، عمّار مولی بنی هاشم قرار دارد که بخاری در صدد تضعیف او برآمده است... (۲) در روایت منسوب به امام علی علیه السلام نیز احمد بن کامل واقع شده که دارقطنی او را سهل انگار در نقل حدیث معرفی کرده است. (۳)

ثانیاً: فخر رازی می گوید: «مورخان و محدّثان اتفاق نظر دارند که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله پس از نزول این آیه شریفه، بیش از ۸۱ یا ۸۲ روز عمر نکرده...» (۴)

و از طرفی دیگر اهل سنت معتقدند که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در روز دوازدهم ربیع الأول به دنیا آمده است (۵) و اتفاقاً در روز دهم ربیع الأول نیز رحلت نموده اند. حال با کمی تأمل پی می بریم که این مدت زمان تنها با مبدئیت هجدهم ذی حجه سازگاری دارد نه روز عرفه؛ یعنی نهم ذی حجه.

ص: ۴۳

۱- ۱۲۲. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۳.

۲- ۱۲۳. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۰۴.

۳- ۱۲۴. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۴۹.

۴- ۱۲۵. تفسیر فخر رازی، ج ۱۱، ص ۱۳۹.

۵- ۱۲۶. الکامل، ج ۲، ص ۹ حوادث سال ۱۱. ق؛ الامتاع، مقریزی، ص ۵۴۸؛ البدایه والنهایه، ج ۶، ص ۳۶۵، حوادث سال ۱۱ ه. ق؛ سیره حلبی، ج ۳، ص ۳۵۳.

ثالثاً: ممکن است که این دو قول را بر فرض صحّت، این گونه با هم جمع کنیم که آیه دو بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

رابعاً: ممکن است این دو قول را به این نحو جمع کنیم که آیه در روز نهم ذی حجّه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، ولی در روز هجدهم پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تلاوت کرده است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خداوند مأمور به ابلاغ به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در حجه الوداع بوده است.

خامساً: ممکن است که مقصود از اکمال دین در آن روز، کامل شدن کلّ اسلام با تبیین حجّ و ابلاغ ولایت امیر المؤمنین علیه السلام باشد؛ زیرا مطابق برخی از روایات جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و از جانب خداوند به او فرمود: تو همه چیز را بیان کردی جز دو وظیفه را که باید عملی کنی، یکی حجّ و دیگر ولایت را... (۱).

علامه طباطبایی رحمه الله می فرماید: «جایز است که بگوییم: خداوند سبحان قسمت بیشتر سوره را که در آن آیه «اکمال» و امر ولایت است در روز عرفه نازل کرده است، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ و بیان ولایت را به روز غدیر خم در هجدهم ذی حجّه موكول کرد، گرچه آن را در روز عرفه هم تلاوت کرده بود. و این که در برخی از روایات آمده که نزول آیه در روز غدیر است، بعید به نظر نمی رسد که مراد تلاوت حضرت همراه با تبلیغ امر ولایت باشد که در آن روز انجام گرفته است. بنابر این توجیه، بین روایات تنافی وجود ندارد. (۲)

۳- نزول آیه در روز غدیر خم

نظر شیعه امامی و بسیاری از علمای اهل سنت آن است که آیه «اکمال» در روز هجدهم ذی حجّه، در سرزمین غدیر خم بر

ص: ۴۴

۱- ۱۲۷. ر.ک: تفسیر صافی، ذیل آیه اکمال.

۲- ۱۲۸. المیزان، ج ۶، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، که به برخی از روایات «صحیح السند» اشاره می کنیم.

کلینی رحمه الله به سندش از امام باقر علیه السلام در حدیثی نقل کرده که فرمود: «وكانت الفريضة تنزل بعد الفريضة الأولى، وكان الولایه آخر الفرائض، فانزل الله « أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ... »؛ (۱) «فريضة به ترتیب یکی پس از دیگری نازل می شد و ولایت آخرین فريضة ها بود، سپس خداوند - عَزَّ وَجَلَّ - این آیه را نازل فرمود: « أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ ... »»

این نظریه با مضمون و محتوای آیه شریفه نیز سازگار است؛ زیرا:

اولاً: دشمنان اسلام پس از ناکامی در تمام توطئه ها، تنها به یک چیز دل بسته بودند و آن این که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا برود و پس از ارتحال آن حضرت بتوانند به آرزوی خود برسند و ضربه نهایی را بر اسلام وارد سازند. اما وقتی دیدند که آن حضرت در روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجرت در بین عموم مردم شخصی بی نظیر را به جانشینی خود انتخاب کرد، آرزوهای خویش را بر باد رفته دیدند.

ثانیاً: با انتخاب امیرالمؤمنین علیه السلام به ولایت و امامت، نبوت به سیر تکاملی خود ادامه داد و با آن، دین خود را تمام و کامل کرد.

ثالثاً: نعمت های خداوند با نصب امامت و رهبری پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تکمیل شد.

رابعاً: بدون شک اسلام بدون امامت و رهبری پس از پیامبر صلی الله علیه و آله یک دین فراگیر و جهانی نخواهد شد.

ص: ۴۵

«يوم» در چهار معنا استعمال شده است:

۱ - مدّت زمانی که از طلوع فجر آغاز و به غروب خورشید ختم می شود. بنابر این معنا «يوم» مترادف «نهار» است و به معنای روز در مقابل شب به کار می رود. مانند: «إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيَتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ»؛ (۱) «روز شنبه ماهی هایشان روی آب می آمدند، و روز غیر شنبه به سوی آنان نمی آمدند.»

و نیز می خوانیم: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ»؛ (۲) «هر کس از شما که در ماه رمضان بیمار یا در سفر باشد، پس روزهای دیگری را روزه بگیرد.»

۲ - مجموع شبانه روز؛ چنان که بر مجموع نمازهایی که در یک شبانه روز خوانده می شود، نمازهای یومیه می گویند.

۳ - عصر، روزگار و برهه ای از زمان؛ مانند آیه: «تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ»؛ (۳) «ما این روزهای ظفر و شکست را به نوبت میان مردم می گردانیم.»

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «الدهر یومان: یوم لک ویوم علیک»؛ (۴) «زمانه دو روز است: یک روز به نفع تو است و یک روز به ضرر تو.»

۴ - مرحله؛ چنان که درباره خلقت آسمان و زمین فرمود: «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»؛ (۵) «خدایی که آسمان و زمین را

ص: ۴۶

۱- ۱۳۰. سوره اعراف، آیه ۱۶۳.

۲- ۱۳۱. سوره بقره، آیه ۱۸۴.

۳- ۱۳۲. سوره آل عمران، آیه ۱۴۰.

۴- ۱۳۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۶.

۵- ۱۳۴. سوره اعراف، آیه ۵۴؛ سوره حدید، آیه ۴.

در شش مرحله خلق کرد.» و نیز فرمود: « خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ »؛ (۱) «زمین را در دو مرحله خلق کرد.»

۵ - قیامت؛ بیشترین استعمال واژه یوم در قرآن کریم مربوط به روز قیامت است. سرّ این که از قیامت به «یوم» تعبیر می شود آن است که مرحله دیگری از نظام هستی و مرحله پایانی آن است.

الف و لام در «الیوم» برای عهد است و اشاره به روز معین و مشخصی دارد که نزد گوینده و شنونده معلوم است. بنابر این واژه «الیوم» به معنای امروز در مقابل دیروز و فردا قرار دارد.

حقّ آن است که آیه، به برهه ای از روزگار اشاره دارد که آغاز آن قطعه زمانی، روز نزول این آیه بوده است. از این رو اختصاصی به دوازده ساعت یا بیست و چهار ساعت ظرف نزول آیه ندارد.

«الیوم» دوم در آیه که به منظور اهمیت دادن به آن روز بزرگ تکرار شده است نیز به همین معناست.

طمع کافران

مراد از «کافران» در جمله « أَلْيَوْمَ يَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ » تنها مشرکان مکه یا حجاز نیستند، بلکه به علت مطلق بودنش، شامل مشرکان، بت پرستان، یهودیان و مسیحیان و ... نیز می شود.

تلاش کافران به امید نفوذ در دین با انگیزه نابودی آن از برخی آیات قرآن کریم استفاده می شود. خدای سبحان اهداف کافران را در محورهای زیر تشریح کرده است:

۱ - ابتدا تلاش می کردند تا چراغ دین را به طور کلی خاموش

ص: ۴۷

کنند و این نهال نو پا را از ریشه بیرون آورند: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَهُ أَنْ يُتَمَّ نُورَهُ وَلَمْوَ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ (۱) «آنان اراده دائمی دارند که نور خدا را با دهان هایشان خاموش کنند. در حالی که خدا می خواهد نورش را تمام و کامل کند هر چند که کافران را خوش نیاید.»

۲ - چون دیدند که موفق به ریشه کن ساختن دین و خاموش کردن چراغ آن نشدند، تلاش کردند تا مسلمانان را از دین و آیینشان برگردانند: «لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا»؛ (۲) «مشرکان، پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند.»

این تلاش فرهنگی و نظامی اختصاص به مشرکان ندارد، بلکه اهل کتاب نیز در چنین تلاش و کوششی بودند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا»؛ (۳) «بسیاری از اهل کتاب دوست دارند شما را بعد از ایمان آوردنتان به کفر برگردانند.»

۳ - بعد از بی ثمر ماندن کوشش هایشان در دو مرحله قبل، تلاش کردند تا با پیشنهاد گرویدن به آیین یهود و نصاری، در حقیقت دین بدلی بسازند و حس دین گرایی آنان را این گونه اقناع کنند. از این رو به مردم عوام می گفتند: «لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا»؛ (۴) «کسی داخل بهشت نمی شود جز آن که یهودی یا نصرانی باشد.» یا آنجا که می فرماید: «كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارًا تَهْتَدُوا»؛ (۵) «یهودی یا نصرانی باشید تا هدایت شوید.»

ص: ۴۸

۱- ۱۳۶. سوره توبه، آیه ۳۲.

۲- ۱۳۷. سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۳- ۱۳۸. سوره بقره، آیه ۱۰۹.

۴- ۱۳۹. سوره بقره، آیه ۱۱۱.

۵- ۱۴۰. سوره بقره، آیه ۱۳۵.

سران کفر نیز در مقام توصیه به استقامت و پایداری می گفتند: برای حفظ خدایانتان و عبادت آن ها، صبر و استقامت به خرج دهید: « أَنْ امْسُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ »؛ (۱) «بروید و بر خدایانتان استقامت و پایداری بورزید.»

۴- بعد از آن که همه نقشه های پیشین آنان بر باد رفت، به فکر دیگری افتاده و خود را به آن دل خوش کردند و آن این که محمدصلی الله علیه و آله فرزند پسری ندارد تا جانشین او و ادامه دهنده راهش باشد. و نیز کسی را به طور علنی به جانشینی خود نصب نکرده است، لذا نقشه ها را برای بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله ریختند و به آن دل خوش کرده بودند که در روز غدیر خم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی کرده و در میان جماعت بسیاری بر این سمت نصب نمود. این جا بود که کافران و منافقان از این نقشه خود نیز مأیوس شدند، و لذا خداوند متعال این آیه را نازل کرد: « أَلْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا »؛ (۲) «امروز کافران از [زوال] آیین شما مأیوس شدند، بنابراین از آن ها نترسید، و از [مخالفت من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان آیین [جاویدان شما پذیرفتم].»

مقصود از اکمال دین

اشاره

در این که مقصود از «اکمال دین» در آیه مورد بحث چیست، سه نظریه مطرح شده است:

ص: ۴۹

۱- ۱۴۱. سوره ص، آیه ۶.

۲- ۱۴۲. سوره مائده، آیه ۳.

۱ - منظور از «دین»، قوانین و احکام شرع است؛ یعنی در آن روز قوانین اسلام کامل شد، و پس از آن دیگر در اسلام خلأ قانونی وجود ندارد.

پاسخ

اگر مقصود از اکمال دین، اکمال تشریحی بود، باید بعد از نزول آیه حکمی بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل نمی گشت، با این که مطابق روایات بسیار آیه کلاله و آیه ربا و برخی دیگر از احکام بعد از آن روز بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد.

طبری از براء بن عازب نقل می کند که آخرین آیه ای که بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد آیه: «يَسِّرْ تَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ» (۱) است.

ابو حیان اندلسی می گوید: «بعد از این آیه - آیه اکمال - آیات بسیاری؛ از قبیل آیات ربا و آیات کلاله و دیگر آیات بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد.»

۲ - برخی معتقدند که منظور از دین در آیه «اکمال»، حج است؛ یعنی در آن روز خاص و با شکوه، خداوند حج شما را کامل کرد.

پاسخ

اولاً: حج جزء شریعت اسلامی است نه دین، و حمل دین بر شریعت که جزئی از آن، حج است خلاف ظاهر به نظر می رسد.

ثانیاً: این توجیه با ظاهر کلمه «الیوم» سازگاری ندارد؛ زیرا مقصود از «الیوم» ظرف زمان حاضر و همان زمان نزول و ابلاغ آیه می باشد. باید مشاهده کرد که در آن روز چه اتفاقی افتاده که به سبب آن، دین کامل شده است. می دانیم که در آن روز جز ابلاغ ولایت امیر المؤمنین علیه السلام واقعه دیگری نبوده است.

ص: ۵۰

۳ - مقصود از «اکمال دین» کامل شدن ارکان آن به توسط ولایت و امامت امیر المؤمنین است؛ زیرا با ادامه نبوت از کانال امامت است که دین به قله کمال خود خواهد رسید.

ویژگی های روز غدیر در آیه

مطابق آیه سوم از سوره مائده، شش ویژگی برای روز غدیر خم؛ یعنی هجدهم ذی حجه که واقعه غدیر و نصب امامت حضرت امیرعلیه السلام در آن روز اتفاق افتاده، وجود دارد:

۱ - امید تمام دشمنان را که برای نابودی اسلام دندان طمع تیز کرده بودند، به یأس مبدل کرد: «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا».

۲ - افزون بر تبدیل شدن امیدشان به یأس، آن چنان زمینه فعالیت آن ها را خنثی کرد که ترس مسلمانان را از آنان بی جهت دانست: «فَلَا تَخْشَوْهُمْ».

۳ - امکان داشت که مسلمانان با پشت پا زدن و نادیده گرفتن آن نعمت بزرگ، کفران نعمت کنند و زمینه غضب الهی و بازگشت سلطه کفار را فراهم و امید تازه ای در آنان ایجاد کنند، از این رو برای پیشگیری از این مسأله فرمود: «وَإِخْشَاؤُنِ».

۴ - پیشرفتی کیفی (کمال) در دین الهی ایجاد کرد و مایه تکامل آن گردید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ».

۵ - پیشرفتی کمی (تمامیت) در نعمت مطلق الهی (ولایت) ایجاد کرد، و آن را به مراحل پایانی و اتمام رساند: «وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي».

۶ - در مرحله ابلاغ نیز خدا راضی شد تا اسلام با ولایت، دین ابدی مردم گردد: « وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا ».

بنابراین، آن روز آغاز برهه ای جدید در تاریخ اسلام شد.

کیفیت نزول آیه

کیفیت نزول آیه

برخی از علمای شیعه به اقتضای ظاهر روایات، احتمال داده اند که این بخش از آیه جدا از بقیه بخش ها نازل شده و هنگام جمع آوری قرآن در اینجا قرار داده شده است، در حالی که غالب یا همه مفسران اهل سنت می گویند: مجموع این آیه با هم نازل شده و قسمت های گوناگون آن، مضمون مشترک دارد. از این رو لازم است هر دو احتمال به طور جداگانه مورد بحث و گفتگو قرار گیرد:

۱ - علمای شیعه می گویند: تعدد یا وحدت آیات به تنهایی نمی تواند دلیل تعدد یا وحدت نزول باشد؛ یعنی همان گونه که دو آیه بودن، نشان تعدد نزول نیست، یک آیه بودن نیز دلیل وحدت نزول تمام بخش های آن نمی تواند باشد. مثلاً در آیه تطهیر که در سوره احزاب آمده، نشان می دهد که این آیه، مستقل از قبل و بعد خودش است، چنان که مضمون و محتوای آن شهادت می دهد که مخاطبی غیر از مخاطب قبل و بعد از خود دارد. شأن نزولی که علمای اهل سنت نیز نقل کرده اند نشان می دهد این فقره از آیه در واقعه ای خاص نازل شده است.

در آیه محلّ بحث نیز مطلب از همین قرار است؛ زیرا هنگام بیان حکم خون، مردار، گوشت خوک و ... می فرماید: « أَلْيَوْمَ يَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ... ».

ص: ۵۲

همان طور که می دانیم معلوم شدن حکم خون و امثال آن موجب یأس دشمن و تکمیل دین نمی شود. شاهدش آن است که این احکام، قبلاً در دو سوره مکی - انعام، آیه ۱۴۵ و نحل، آیه ۱۱۵ - و نیز در آیه ۱۷۳ از سوره بقره، که اولین سوره مدنی است، نازل شده بود ولی عنوان یأس کفار و تکمیل دین در آن ها مطرح نیست، در حالی که اگر نزول و ابلاغ این احکام دارای چنین خاصیتی باشد باید در آن سوره ها نیز « اَلْيَوْمَ يَأْسُ » ذکر می شد.

بدین ترتیب « اَلْيَوْمَ... » نمی تواند اشاره به روز نزول حکم خون، مردار، و ... باشد، بلکه باید اشاره به روزی باشد که در آن، حادثه مهم دیگری واقع شده است. از این جهت شیعه اعتقاد دارد آیه « اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ... » اشاره به روزی دارد که نبی اکرم صلی الله علیه و آله آیه « تبلیغ » را عملی نمود. آن جا که خداوند می فرماید: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ »؛ (۱) « ای پیامبر! آنچه که از سوی پروردگارت به تو نازل شد به مردم ابلاغ کن . » امری که اگر امتثال نمی شد زحمات بیست و سه ساله آن حضرت به هدر می رفت و رسالت الهی ابلاغ نمی گردید.

نتیجه این که یا باید بگوییم: این دو بخش، جدای از قبل و بعد خود نازل شده، لیکن هنگام جمع آوری قرآن به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا به دستور کسانی که بعد از آن حضرت به جمع آوری قرآن پرداختند - طبق مبانی مختلف در تدوین قرآن - در این جا قرار گرفته است. یا این که بگوییم: این دو جمله همراه قبل و بعد خود نازل شده، لیکن به روز نزول آیه، از آن جهت که ظرف

ص: ۵۳

نزول برخی احکام فقهی است اشاره ندارد، بلکه جمله معترضه ای است که بین این جملات قرار گرفته است.

مؤید این مدعا آن است که اگر این دو جمله را حذف کنیم بقیه آیه، تامّ و کامل خواهد بود و خللی در معنای آن وارد نمی شود. چنان که حذف آیه تطهیر خللی در معنای بقیه آیه ایجاد نمی کند، بلکه معنا روشن تر و ترجمه و تفسیر راحت تر خواهد شد.

۲ - احتمال دیگر این که این جمله همراه بقیه قسمت های آیه نازل شده و جدای از آن ها نیست، چنان که مفسران عامه بر این باورند.

با این احتمال نیز می توان گفت: «الیوم» اشاره به روز نزول احکام مذکور در آیه است؛ زیرا وحدت نزول، نقشی در این جهت ندارد. همان گونه که صدر آیه ۲۹ سوره یوسف با خطاب به حضرت یوسف علیه السلام می فرماید: «يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا»؛ «ای یوسف! از این حادثه صرف نظر کن.» و در ذیل آن خطاب به همسر عزیز مصر آمده است: «وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ»؛ «و تو ای زن! از گناه خویش استغفار کن.» با آن که مجموع این ها یک آیه بیشتر نیست و نامی از همسر عزیز مصر به میان نیامده است. کسی ادعا نکرده که هر دو بخش آیه خطاب به یک نفر است. بنابر این، گرچه در محاورات و گفتگوهای عرفی، از وحدت سیاق به عنوان یک اصل و قاعده ای عقلایی نام می برند و بدان توجه و عنایت دارند؛ لیکن نمی توان گفت: یک قاعده کلی و عمومی است و همیشه می تواند دلیل یا مؤید باشد، به ویژه اگر قرینه داخلی یا خارجی بر خلاف آن وجود داشته باشد.

برخی می گویند: در ابتدای آیه سوم سوره مائده، سخن از

گوشت های حرام است و در انتهای آن، سخن از اضطرار و ضرورت و حکم آن است و در وسط آن دو، آیه «اکمال» آمده است، اگر مقصود از آیه اکمال مسأله ولایت و امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است چه تناسبی با صدر و ذیل آیه دارد؟

پاسخ

آیات قرآن به صورت یک کتاب کلاسیک تنظیم نشده است، بلکه به همان شکلی که نازل می گشت به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله ثبت می شد. بنابر این ممکن است صدر آیه مورد بحث به خاطر سؤالاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد گوشت های حرام شده، قبل از واقعه غدیر نازل شده باشد، و بعد از مدتی واقعه غدیر پیش آمده و آیه مورد بحث نازل گشته و نویسندگان وحی، آن را به دنبال حکم گوشت های حرام ثبت کرده اند. سپس مسأله اضطرار یا مصداقی از مصادیق آن رخ داده و حکم آن نازل شده و ذیل آیه را که حاوی حکم اضطرار است به دنبال قسمت وسط آیه ثبت کرده باشند. بنابر این، با توجه به نکته فوق، لازم نیست آیات تناسب خاصی با هم داشته باشند.

آیه سأل سائل

اشاره

ص: ۵۷

اشاره

یکی از آیاتی که درباره قصه غدیر خم نازل شده و دلالت حدیث غدیر بر امامت و ولایت و خلافت حضرت علی علیه السلام را تأیید می کند، آیه «سأل سائل» است. خداوند متعال می فرماید: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»؛ (۱) «تقاضا کننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شود. این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند.»

اصل قصه چیست؟ و چگونه ارتباط با واقعه غدیر دارد؟ و چگونه دلالت حدیث امامت و ولایت را تأیید می کند؟ این ها سؤال هایی است که در این مبحث به آن می پردازیم.

اعتراف به نزول آیه در مورد قصه غدیر

توضیح

برخی از علمای اهل سنت این آیه را مربوط به قصه غدیر می دانند؛ از قبیل:

۱ - ابو اسحاق ثعلبی

ابو اسحاق ثعلبی

او می گوید: از سفیان بن عیینه درباره تفسیر قول خداوند - عز وجل - «سَأَلَ سَائِلٌ» سؤال شد که در شأن چه کسی نازل شده است؟ او در جواب گفت: تو از من درباره مسأله ای سؤال کردی که

ص: ۵۸

کسی قبل از تو از من سؤال نکرده بود. حدیث کرد مرا پدرم از جعفر بن محمد، از پدرانش: هنگامی که رسول خداصلی الله علیه وآله به سرزمین غدیر خم رسیدند، مردم را ندا داده و همه را جمع کردند. آن گاه دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود: هر کس من مولای اویم این علی مولای اوست.

این خبر شایع شد و در همه کشورها و شهرها پیچید. از آن جمله خبر به حارث بن نعمان فهری رسید. او در حالی که بر شتر خود سوار بود وارد سرزمین ابطح شد و از شتر خود پایین آمده، شتر را خوابانید و پای او را بست. آن گاه به خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله آمد در حالی که در میان جمعی از اصحاب خود بود. عرض کرد: ای محمد! ما را از جانب خداوند امر کردی تا شهادت به وحدانیت خدا دهیم و این که تو رسول خدایی، ما هم قبول کردیم. و امر نمودی تا پنج نوبت نماز بخوانیم. آن را نیز از تو قبول کردیم. و ما را به زکات و روزه ماه رمضان و حج امر کردی آن ها را نیز قبول کردیم. به این راضی نشدی تا آن که بازوان پسر عمویت را بالا برده و او را بر ما برتری دادی و گفتی: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»؛ «هر کس که من مولای اویم این علی مولای اوست.» آیا این مطلبی بود که از جانب خود گفتی یا از جانب خدای - عزّ وجلّ -؟!؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: قسم به کسی که جز او خدایی نیست، همانا این مطلب از جانب خداوند بوده است.

در این هنگام حارث بن نعمان به پیامبر پشت کرده و به سوی راحله خود حرکت کرد در حالی که می گفت: بار خدایا! اگر آنچه

محمد می گوید حقّ است بر من سنگی از آسمان بیار یا عذابی دردناک بر من بفرست. او به شتر خود نرسیده بود که خداوند بر او سنگی فرستاد که بر سر او خورده و از پشت او بیرون آمد و با این طریق به قتل رسید. در این هنگام بود که خداوند - عزّ وجلّ - این آیه را نازل کرد: «سَأَلُ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» (۱).

ترجمه ابی اسحاق ثعلبی

ابن خلکان می گوید: «ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری، مفسّر مشهور که یکتای اهل زمان خود در علم تفسیر بود، تفسیری نوشته که با آن بر سایر مفسّران فایق آمده است. عبدالغافر بن اسماعیل فارسی در کتاب سیاق تاریخ نیشابور او را یاد کرده و بر او درود فرستاده و نیز او را صحیح النقل و مورد وثوق و اطمینان دانسته است...» (۲).

صفدی نیز درباره او می گوید: «او حافظ، عالم، صاحب نظر در عربیت و موثق است.» (۳).

ترجمه سفیان بن عیینه

سفیان از مشاهیر مورد وثوق نزد اهل سنت است. نووی درباره او می گوید: «سفیان بن عیینه... اعمش، ثوری، مسعر، ابن جریح، شعبه، همّام، وکیع، ابن مبارک، ابن مهدی، قطّان، حمّاد بن زید، قیس بن ربیع، حسن بن صالح، شافعی، ابن وهب، احمد بن حنبل، ابن مدینی، ابن معین، ابن راهویه، حمیدی و بسیاری که قابل

ص: ۶۰

۱- ۱۴۶. الکشف والبیان، ذیل آیه.

۲- ۱۴۷. وفيات الاعیان، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲.

۳- ۱۴۸. الوافی بالوفیات، ج ۸، ص ۳۳.

شمارش نیستند، از او روایت نقل کرده اند. و ثوری از قَطَّان، و او از ابن عیینه روایت نقل کرده است. علما اتفاق بر امامت و جلالت و عظمت مرتبه او دارند.»^(۱)

ذهبی گوید: «امام ابو محمد سفیان بن عیینه هلالی شیخ حجاز.»

شافعی گفته: اگر نبود مالک و سفیان، علم حجاز از بین رفته بود... او ثابت قدم در حدیث بود.

بهز بن اسد گفته: همانند ابن عیینه را ندیدم... و احمد گفته من کسی را داناتر به سنن از او نیافتم.»^{(۲)(۳)}

یافعی می گوید: «علما در حقّ او گفته اند: او امام، عالم، ثابت و باورع بوده و اجماع بر صحت حدیث اوست...»^(۴)

۲ - ابو عبید هروی (م ۲۲۳)

هروی در تفسیرش به نام «غریب القرآن» در ذیل آیه «سَأَلَ سَائِلٌ» می نویسد: «هنگامی که رسول خداصلی الله علیه و آله در غدیر خم آنچه قرار بود ابلاغ کند به مردم رساند و آن مطلب در کشورها و شهرها پخش شد، جابر بن نصر بن حارث بن کلبه عبدری آمد و عرض کرد: ای محمد! تو ما را از جانب خدا امر کردی که شهادت به وحدانیت خدا دهیم... تا آخر روایت.»

ابن خلکان در ترجمه هروی می نویسد: «او مردی ربّانی، و دارای فنون مختلف در علوم اسلامی بود، روایتش حسن

ص: ۶۱

۱- ۱۴۹. تهذیب الأسماء واللغات، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲- ۱۵۰. العبر، حوادث سنه ۱۹۷.

۳- ۱۵۱.

۴- ۱۵۲. مرآه الجنان، حوادث سنه ۱۹۸.

و صحیح النقل بود. و کسی را نمی شناسم که در امر دین او طعنی وارد کرده باشد.»(۱)

۳ - شیخ الاسلام حمّوئی

او در باب پانزدهم از کتاب «فرائد السمطین» از شیخ عمادالدین عبدالحافظ بن بدران، از قاضی جمال الدین عبدالقاسم بن عبدالصمد انصاری، از عبدالجبار بن محمد خوارزمی بیهقی، از ابی الحسن علی بن احمد واحدی نقل کرده که گفت: من از شیخ مان استاد ابی اسحاق ثعلبی در تفسیرش قرائت کردم که از سفیان بن عیینه درباره این آیه « سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ » سؤال شد که در شأن چه کسی نازل شده است؟ او این حدیث را (که قبلاً ذکر کردیم) نقل نمود... (۲)

حموئی همان ابراهیم بن محمد بن مؤید بن حمویه صدرالدین ابوالمجامع شافعی است که از شیوخ ذهبی بوده و در سال ۷۲۲ وفات یافته است. علماء اهل سنت او را امام در علوم حدیث و فقه معرفی کرده اند. (۳)

تألیف کتاب او «فرائد السمطین» در سال ۷۱۶ به پایان رسیده است.

بغدادی می گوید: «جوینی از کتابش (فرائد السمطین) در سال ۷۱۶ فارغ شد.» (۴)

ص: ۶۲

۱- ۱۵۳. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۶۰، رقم ۵۳۴.

۲- ۱۵۴. فرائد السمطین، ج ۱، ص ۸۲، ح ۶۳.

۳- ۱۵۵. تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۵۰۵؛ معجم شیوخ الذهبی، ص ۱۲۵، رقم ۱۵۶.

۴- ۱۵۶. ایضاح المکنون در ذیل کشف الظنون، ج ۴، ص ۱۸۲.

کتاب او از بهترین کتاب هایی است که اهل سنت در نقل فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام به رشته تحریر درآورده اند.

۴ - حاکم حسکانی

حاکم حسکانی حنفی این روایت را با سندهای بسیار از برخی از امامان اهل بیت علیهم السلام و تعدادی از صحابه نقل کرده است. اینک ما یک روایت از آن ها را نقل می کنیم: او از ابوبکر محمد بن محمد بغدادی، از ابو محمد عبدالله بن احمد بن جعفر شیبانی، از عبدالرحمن بن حسن اسدی، از ابراهیم بن حسین کسائی، از فضل بن دکین، از سفیان بن سعید، از منصور، از ربیع، از حذیفه بن یمان نقل کرده که گفت: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»؛ نعمان بن منذر فهری ایستاد و گفت: ... آن گاه تا آخر قصه را نقل می کند. (۱)

- ابوبکر محمد بن محمد بغدادی؛ حافظ عبدالغافر نیشابوری در ترجمه او می گوید: «او فقیه، فاضل، دین دار... بود.» (۲)

- عبدالله بن احمد بن جعفر شیبانی نیشابوری؛ خطیب بغدادی در ترجمه او می گوید: «وی اموال بسیاری داشت، همه آن ها را در راه علم و اهل علم و حج و جهاد و اعمال نیک به کار گرفت، و از تمام علمای هم عصرش بیشتر حدیث شنید... او مورد وثوق است...» (۳)

- عبدالرحمن بن حسن اسدی؛ خطیب بغدادی او را در

ص: ۶۳

۱- ۱۵۷. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۱ - ۳۸۵.

۲- ۱۵۸. السیاق فی تاریخ نیشابور، ص ۳۷.

۳- ۱۵۹. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۳۹۱.

ترجمه اش تمجید کرده است. (۱) گرچه برخی از معاصرینش او را تضعیف کرده اند، ولی بنا بر رأی ذهبی و ابن حجر، تضعیف معاصر قابل توجه نیست. (۲)

- ابراهیم بن حسین کسائی معروف به ابن دیزل؛ ذهبی درباره او می گوید: «امام حافظ، ثقه، عابد... حاکم او را ثقه مأمون معرفی کرده است...» (۳)

فضل بن دکین؛ او از رجال صحاح سته به شمار می آید. ابن حجر می گوید: «او ثقه و ثبت بوده و از بزرگان شیوخ بخاری به حساب می آید.» (۴)

سفیان بن سعید؛ او که معروف به ثوری است، شعبه و سفیان بن عینه و ابو عاصم نبیل و یحیی بن معین و بسیاری از علما او را امیرالمؤمنین در حدیث معرفی کرده اند. سفیان بن عینه می گوید: اصحاب حدیث سه نفرند: ابن عباس در زمانش، شعبی در زمانش، ثوری در زمانش. عباس دوری می گوید: مشاهده کردم که یحیی بن معین هیچ کس را در فقه و حدیث و زهد و هر چیز، بر سفیان مقدم نمی داشت. او از رجال صحاح سته است. (۵)

- منصور؛ همان منصور بن معتمر است که از رجال صحاح سته بوده و ابن حجر در شأن او گفته: «او ثقه و ثبت است و اهل تدلیس نبوده است.» (۶)

ص: ۶۴

۱- ۱۶۰. تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۲۹۲.

۲- ۱۶۱. لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۳۴؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۱۱.

۳- ۱۶۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۸۴.

۴- ۱۶۳. تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۱۰.

۵- ۱۶۴. تهذیب الکمال، ج ۱۱، ص ۱۶۴-۱۶۹.

۶- ۱۶۵. تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۷.

- ربعی؛ همان ربعی بن خراش است که از رجال صحاح سته به حساب می آید. ابن حجر او را ثقه و عابد معرفی کرده است. (۱).

- حذیفه بن یمان؛ او از اصحاب جلیل القدر است.

راویان حدیث از اهل بیت علیهم السلام و اصحاب

این روایت را برخی از امامان اهل بیت علیهم السلام و نیز برخی از صحابه نقل کرده اند؛ از قبیل:

۱ - امام امیرالمؤمنین علیه السلام.

۲ - امام محمد باقر علیه السلام.

۳ - امام جعفر صادق علیه السلام.

۴ - عبدالله بن عباس.

۵ - حذیفه بن یمان.

۶ - سعد بن ابی وقاص.

۷ - ابو هریره.

راویان حدیث از عامه

مضمون این حدیث را عده ای از علمای اهل سنت در کتب خود نقل کرده اند؛ از قبیل:

۱ - حافظ ابو عبید هروی {۲۲۳}. (۲).

۲ - ابوبکر نقاش موصلی بغدادی {۳۵۱}. (۳).

ص: ۶۵

۱- ۱۶۶. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲- ۱۶۷. تفسیر غریب القرآن، ذیل آیه.

۳- ۱۶۸. تفسیر شفاء الصدور، ذیل آیه.

۳- ابو اسحاق ثعلبی نیشابوری {۴۲۷}. (۱)

۴- حاکم حسکانی حنفی. (۲)

۵- ابوبکر یحیی قرطبی {۵۶۷}. (۳)

۶- سبط بن جوزی حنفی {۶۵۴}. (۴)

۷- شیخ الاسلام حموئی. (۵)

۸- شیخ محمد زرنندی حنفی. (۶)

۹- نورالدین ابن صباغ مالکی. (۷)

۱۰- سید نورالدین سمهودی شافعی. (۸)

۱۱- ابو السعود عمادی. (۹)

۱۲- شمس الدین شربینی شافعی. (۱۰)

۱۳- سید جمال الدین شیرازی. (۱۱)

۱۴- شیخ زین الدین مناوی شافعی. (۱۲)

۱۵- شیخ برهان الدین علی حلبی شافعی. (۱۳)

۱۶- سید مؤمن شبلنجی شافعی. (۱۴)

۱۷- شیخ احمد بن باکثیر مکی شافعی. (۱۵)

۱۸- شیخ عبدالرحمن صفوری. (۱۶)

ص: ۶۶

۱- ۱۶۹. الكشف والبيان، ذیل آیه.

۲- ۱۷۰. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۳.

۳- ۱۷۱. الجامع لأحكام القرآن، ج ۸، ص ۲۷۸.

۴- ۱۷۲. تذکره الخواص، ص ۳۰.

- ٥-١٧٣. فرائد السمطين، ج ١، ص ٨٢ ح ٦٣.
- ٦-١٧٤. نظم درر السمطين، ص ٩٣.
- ٧-١٧٥. الفصول المهمه، ص ٤١.
- ٨-١٧٦. جواهر العقدين، ص ١٧٩.
- ٩-١٧٧. ارشاد العقل السليم، ج ٩، ص ٢٩.
- ١٠-١٧٨. السراج المنير، ج ٤، ص ٣٨٠.
- ١١-١٧٩. الاربعين في مناقب امير المؤمنين ٧، ص ٤٠.
- ١٢-١٨٠. شرح جامع الصغير، ج ٦، ص ٢١٨.
- ١٣-١٨١. السيره الحلبيه، ج ٣، ص ٢٧٤.
- ١٤-١٨٢. نور الابصار، ص ١٥٩.
- ١٥-١٨٣. وسيله المآل، ص ١١٩.
- ١٦-١٨٤. نزهه المجالس، ج ٢، ص ٢٠٩.

۱۹ - شمس الدین حنفی شافعی. (۱)

۲۰ - ابو عبدالله زرقانی مالکی. (۲)

۲۱ - قندوزی حنفی. (۳)

۲۲ - محمد بن یوسف گنجی. (۴)

و دیگران.

دلالت حدیث

این روایت از جمله شواهد و قراینی است که دلالت بر معنای سرپرستی در حدیث غدیر دارد؛ زیرا اگر مقصود از مولا- در حدیث غدیر محبت و یا نصرت بود، چه ضرورتی داشت که حارث بن نعمان این گونه با رسول خدا صلی الله علیه و آله مواجه کرده و در نهایت امر از خداوند تقاضای مرگ کند؟ به طور حتم او از حدیث غدیر معنای سرپرستی و امامت حضرت علی علیه السلام را فهمیده بود، لذا به جهت عنادی که با حضرت داشت تحمل نیاورده، حسد او باعث شد که چنین درخواستی از خداوند نماید.

پاسخ به شبهات

توضیح

برخی از متعصبین از علمای اهل سنت، درصدد توجیه یا تکذیب این حدیث برآمده اند. اینک به این شبهات پرداخته و هر یک را مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد:

ص: ۶۷

۱- ۱۸۵. شرح جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲- ۱۸۶. شرح المواهب اللدنیة، ج ۷، ص ۱۳.

۳- ۱۸۷. ینابیع الموده، ص ۲۷۴.

۴- ۱۸۸. کفایه الطالب.

ابن تیمیه در یک سری از اشکالات خود بر این حدیث می گوید: «سوره معارج که این آیه در اول آن آمده است به اتفاق اهل علم مکی است، در نتیجه نزول آن ده سال یا بیشتر قبل از واقعه غدیر بوده است.»^(۱)

پاسخ

اجماعی را که ابن تیمیه ادعا کرده متیقن از آن نزول مجموع سوره در مکه است نه مجموع آیات آن؛ زیرا ممکن است که خصوص این آیه مدنی باشد.

اگر کسی اشکال کند قاعده در این که سوره ای مکی یا مدنی است این است که اولین آیه آن در کجا نازل شده باشد، و چون افتتاح سوره با آیه مدنی است پس با مکی بودن سوره سازگاری ندارد.

در جواب می گوئیم: این ادعا خلاف واقع است زیرا چه بسیار مواردی که بر خلاف این مطلب آمده است:

الف) سوره عنکبوت؛ تمام آیات آن مکی است به جز ده آیه از اول آن.^(۲)

ب) سوره کهف؛ تمام آیات آن مکی است بجز هفت آیه از اول آن که مدنی است.^(۳)

ج) سوره مطففین؛ تمام آیات آن مکی است به جز آیه اول آن.^(۴)

د) سوره لیل؛ تمام آیات آن مکی است به جز آیه اول آن.^(۵)

ص: ۶۸

۱- ۱۸۹. منهاج السنه، ج ۴، ص ۳۱.

۲- ۱۹۰. جامع البیان، ج ۲۰، ص ۱۳۳؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۳، ص ۴۱.

۳- ۱۹۱. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۳۵؛ الاتقان، ج ۱، ص ۴۱.

۴- ۱۹۲. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۹۱.

۵- ۱۹۳. الاتقان، ج ۱، ص ۴۷.

ه) سوره مجادله؛ تمام آیات آن مدنی است به جز ده آیه از اول آن. (۱)

و) سوره بلد؛ تمام آیات آن مدنی است به جز آیه اول آن. (۲)

۲ - خداوند با وجود پیامبر کسی را عذاب نخواهد کرد!!

ابن تیمیه نیز می گوید: «این آیه به سبب مطلبی است که مشرکان در مکه گفته اند، و بعد از آن هم عذابی به خاطر آن نازل نشد؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»؛ (۳) «ولی [ای پیامبر!] تا تو در میان آن ها هستی، خداوند آن ها را مجازات نخواهد کرد. و [نیز] تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.» (۴)

پاسخ

اولاً: منافاتی ندارد که عذاب خداوند در مکه بر مشرکان وارد نشده باشد ولی در این مکان بر حارث نازل گشته باشد.

ثانیاً: از برخی روایات استفاده می شود که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله برخی از اشخاص مورد عذاب قرار گرفتند.

الف) مسلم در صحیح خود به سندش از ابن مسعود نقل می کند که قریش نافرمانی رسول خدا نمود و از قبول اسلام سرباز زد، پیامبر صلی الله علیه و آله در حق آن ها نفرین کرد و به خداوند عرض کرد: «بار خدایا! همانند هفت سال یوسف بر آنان قحطی بفرست. در این هنگام بود که خشکسالی شبه جزیره حجاز را فرا گرفت و کار به جایی رسید که مردار می خوردند. و از شدت گرسنگی و عطش، آسمان را همانند دود مشاهده می کردند... (۵)

ص: ۶۹

۱- ۱۹۴. ارشاد العقل السليم، ج ۸، ص ۲۱۵.

۲- ۱۹۵. الاتقان، ج ۱، ص ۴۷.

۳- ۱۹۶. سوره انفال، آیه ۳۳.

۴- ۱۹۷. منهاج السنه.

۵- ۱۹۸. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۳۹؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۳۰، ح ۴۴۱۶.

ب) ابن عبدالبر نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه وآله هر گاه راه می رفت به طرف راست و چپ مایل می شد. حکم بن عاص آن حرکت را به جهت استهزای حضرت انجام می داد. پیامبر صلی الله علیه وآله روزی او را دید که چنین کاری را انجام می دهد، حضرت او را نفرین کرد که خدا کند که چنین شوی. از همان روز به حالتی مبتلا شد که هنگام راه رفتن بدنش می لرزید. (۱)

ج) بیهقی به سند خود از اسامه بن زید نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله کسی را به محلی فرستاد، او بر رسول خدا صلی الله علیه وآله دروغ بست. حضرت او را نفرین کرد. او را مشاهده کردند که از دنیا رفته و شکمش پاره شده است. و هنگام دفن هر چه کردند او را خاک کنند، زمین او را قبول نکرد. (۲)

از این قضایا و قصه های دیگر استفاده می شود که مقصود از عذابی که با وجود پیامبر صلی الله علیه وآله بلکه پیامبران از مردم برداشته می شود، عذاب عمومی است نه عذاب خصوصی و مربوط به یک یا دو فرد، و این مطلب موافق با مقتضای حکمت است؛ زیرا گاهی ضرورت چنین اقتضایی را دارد.

۳ - اگر چنین بود باید معجزه می شد!!

ابن تیمیه می گوید: «اگر این واقعه صحیح بود، باید همانند قصه اصحاب فیل به عنوان معجزه ای در بین همه مردم پخش می شد و همه آن را می دانستند در حالی که چنین نیست.» (۳)

ص: ۷۰

۱- ۱۹۹. الاستیعاب، قسم اول، ص ۳۵۹.

۲- ۲۰۰. الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۳۰.

۳- ۲۰۱. منهاج السنه.

اولاً: قیاس ابن تیمیه؛ یعنی قیاس یک قضیه و واقعه فردی را به قصه اصحاب فیل، قیاس مع الفارق است؛ زیرا در مورد قصه اصحاب فیل، حادثه ای عظیم و همگانی اتفاق افتاد و لذا خبر آن سریع بین مردم پخش شد، بر خلاف قصه حارث بن نعمان که قضیه ای فردی و در محدوده ای خاص بوده است.

ثانیاً: از آنجا که این قصه از فضایل حضرت امیرعلیه السلام به حساب می آید، لذا سعی مکتب خلفا در طول تاریخ در مخفی داشتن آن بوده است.

۴ - مسلمان عذاب دنیوی نمی شود!!

ابن تیمیه می گوید: «از ظاهر کلمات حارث استفاده می شود که او مسلمان بوده و به مبادی پنجگانه اسلامی اعتراف داشته است. و معلوم است که در دنیا خصوصاً در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله کسی که مسلمان است عذاب نمی شود.» (۱)

از حدیث مذکور همان گونه که اسلام حارث استفاده می شود، ارتداد او هم از آن حرفی که در آخر کلامش زده، استفاده می شود و در حقیقت مشرک است. و لذا او استحقاق چنین عذابی را داشته است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

